

## بسم الله الرحمن الرحيم

99/11/01

**موضوع:** پاسخ به سه شبهه جدید، پیرامون شهادت حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ویژه برنامه دانش افزایی فاطمی

فهرست مطالب این برنامه:

ادعای حمله به خانه دختر پیامبر و کتک خوردن او، با غیرت عرب ناسازگار است

الف) ناسازگاری ادعای غیرت عرب با زنان، با آیات قرآن

ب) عمر بن خطاب و تازیانه زدن عزاداران دختر پیامبر

ج) عمر بن خطاب و کتک زدن خانواده عزادار ابوبکر

د) عمر بن خطاب و کتک زدن زنان عزادار خالد بن ولید

اگر خلافت و امامت، حق امیرالمؤمنین بود چرا از مردم استمداد نکرد؟!؟

الف) دفاع حضرت زهرا (سلام الله علیها) از ولایت، در جریان هجوم به خانه

ب) حضرت زهرا (سلام الله علیها) و فریاد بر سر انصار و مهاجرین

ج) امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (سلام الله علیهما) شبانه بر در انصار و مهاجرین

راز گریه های شبانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و وصیت به دفن شبانه چه بود!؟

مروری بر اسناد هجوم و آتش زدن خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

اگر خانه فاطمه زهرا را آتش زدند، چرا مسجد پیامبر آتش نگرفت!؟

الف) خانه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دو درب داشت

ب) امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خانه «حارث بن نعمان» زندگی می‌کرد!

### آیت الله دکتر حسینی قزوینی:

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لاسيما على مولانا بقیة الله و اللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله الحمد لله الذي هدانا لهذا و ما كنا لنهتدى لولا أن هدانا الله

یکی از شبهاتی که در رسانه‌های وهابی و فضای مجازی مطرح می‌شود، شبهه‌ای است که اگر دوستان یادشان باشد در «شبکه المستقله» در مناظره‌ای که میان وهابیت با علمای شیعه بود مفصل مطرح شد.

### ادعای حمله به خانه دختر پیامبر و کتک خوردن او، با غیرت عرب ناسازگار است

این شبهه در رابطه با کتک خوردن حضرت صدیقه طاهره، قرار دادن حضرت بین در و دیوار و ظلم به حضرت فاطمه زهراست که با غیرت عرب سازگار نیست!!

عرب نسبت به زن غیرت مخصوصی دارد و اگر کسی بخواهد زنی را مورد اذیت قرار دهد و او را آزار دهد، عرب‌ها مانع می‌شوند و تا پای جان از زن‌ها و نوع زن دفاع می‌کنند!!

نکته دیگر این که صحابه، آن هم خلیفه اول و دوم، افزون بر اینکه عرب بودند، نسبت به زن غیرت مخصوصی داشتند!!

حضرت زهراى مرضیه دختر رسول گرامی اسلام بود و اصلاً عقل باور نمی‌کند که خلفا نسبت به دختر رسول گرامی اسلام این چنین معامله تند و خشن داشته باشند.

## الف) ناسازگاری ادعای غیرت عرب با زنان، با آیات قرآن

ما در جواب عرض می‌کنیم: این که می‌گویید عرب نسبت به زن غیرت مخصوصی داشته است، با فرمایشات قرآن کریم سازگار نیست.

سوره اسراء آیه 31 و سوره نحل آیه 58 غیرت مرد را نسبت به زن و دختر نشان داده است. قرآن کریم در سوره نحل آیه 58 می‌فرماید:

**(وَ إِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَ هُوَ كَظِيمٍ)**

در حالی که هر گاه به یکی از آنها بشارت دهند دختری نصیب تو شده صورتش (از فرط ناراحتی) سیاه می‌شود، و مملو از خشم می‌گردد!

**سوره نحل (16): آیه 58**

همچنین در سوره مبارکه اسراء می‌فرماید:

**(وَ لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ حَشِيَّةً بِإِمْلاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَ إِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْأً كَبِيرًا)**

و فرزندانان را از ترس فقر به قتل نرسانید، ما آنها و شما را روزی می‌دهیم، مسلماً قتل آنها گناه بزرگی است.

**سوره اسراء (17): آیه 31**

اعراب دختران خود را زنده به گور می‌کردند، زیرا دختر جز هزینه چیزی برای پدر نداشت. در مقابل پسر علاوه بر اینکه هزینه بر نبود، برای خانواده هزینه آور هم بود.

بنابراین این منطق که عرب نسبت به زن و دختر غیرت داشت و اجازه نمی‌داد کسی متعرض آنها شود و آنها را مورد اذیت و آزار قرار بدهد، با منطق قرآن کریم نمی‌سازد.

## ب) عمر بن خطاب و تازیانه زدن عزاداران دختر پیامبر

نکته دیگر اینکه ادعا می‌کنند خلیفه اول و خلیفه دوم و دیگر صحابه نسبت به اهل بیت نبی گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) احترام ویژه‌ای داشتند.

مگر عقل باور می‌کند و مگر انصاف و وجدان کسی قبول می‌کند که آنها نسبت به اهلبیت نبی گرامی اسلام اینطور متعرض شوند، به طوری که دختر رسول الله را بین در و دیوار قرار دهند و تازیانه و سیلی بزنند!!

ما در منابع اهل سنت با سندهای صحیح روایاتی از کیفیت برخورد خلیفه دوم در زمان حیات رسول گرامی اسلام با اهلبیت داریم. بنده گمان می‌کنم اگر آقایان همین یک روایت را ببینند، از طرح این ادعا خجالت می‌کشند و حیا می‌کنند.

در کتاب «مسند احمد بن حنبل» جلد سوم نقل شده است که وقتی رقیه دختر رسول گرامی اسلام و همسر عثمان از دنیا رفت، رسول اکرم فرمود: او را در کنار قبر «عثمان بن مظعون» دفن کنید.

### «وَبَكَتِ النِّسَاءُ»

زن‌ها در وفات رقیه گریه می‌کردند.

یکی از آن زنان حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و دیگران أمهات المؤمنین بودند.

### «فَجَعَلَ عُمَرُ يَضْرِبُهُنَّ بِسَوْطِهِ»

عمر بن خطاب زنانی که گریه می‌کردند را با تازیانه می‌زد.

### «فَقَالَ النَّبِيُّ لِعُمَرَ دَعْهُنَّ يَبْكِينَ»

پیغمبر اکرم فرمود: عمر! زنان را رها کن و بگذار گریه کنند.

مسند الإمام أحمد بن حنبل، اسم المؤلف: أحمد بن حنبل أبو عبدالله الشيباني، دار النشر: مؤسسة

قرطبة - مصر، ج 1، ص 335، ح 3103

در خصوص سند روایت آمده است که سند روایت صحیح است. آیا از این بهتر و واضح‌تر بیان کنیم؟!

همچنین «حاکم نیشابوری» در کتاب «مستدرک علی الصحیحین» جلد سوم می‌گوید در وفات زینب دختر دیگر رسول گرامی اسلام که همسر «ابن ابی العاص» بود، پیغمبر اکرم فرمود: او را هم در کنار قبر «عثمان بن مظعون» دفن کنید.

**«فبكت النساء»**

زنان در درگذشت زینب گریه می‌کردند.

**«فجعل عمر يضربهن بسوطه»**

عمر بن خطاب جلوی چشم پیغمبر اکرم زنان را با تازیانه می‌زد.

**«فأخذ رسول الله يده وقال مهلا يا عمر»**

پیغمبر اکرم دست عمر بن خطاب را گرفت و گفت: عمر بس کن!

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاکم النیسابوری، دار النشر:

دار الکتب العلمیة - بیروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقیق: مصطفی عبد القادر عطا، ج

3، ص 210، ح 4869

آقای «ذهبی» هم می‌گوید: سند این روایت صحیح است. «شوکانی» هم در کتاب «نیل الأوطار» این روایت را

مفصل نقل می‌کند.

**«مَاتَتْ زَيْنَبُ بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ فَبَكَتِ النِّسَاءُ»**

زمانی که زینب دختر رسول الله از دنیا رفته بود، زن‌ها گریه می‌کردند.

«فَجَعَلَ عُمَرُ يَضْرِبُهُنَّ بِسَوْطِهِ»

عمر بن خطاب جلوی چشم پیغمبر اکرم زنان را با تازیانه می‌زد.

«فَأَخَذَ رَسُولُ اللَّهِ بِيَدِهِ وَقَالَ مَهْلًا يَا عُمَرُ»

پیغمبر اکرم دست عمر بن خطاب را گرفت و گفت: عمر بس کن!

نیل الأوطار من أحاديث سيد الأخيار شرح منتقى الأخبار، اسم المؤلف: محمد بن علي بن محمد الشوكاني، دار النشر: دار الجيل - بيروت - 1973، ج 4، ص 149، باب ما جاء في البكاء على الميت  
وَبَيَانَ الْمَكْرُوهِ مِنْهُ

این روایات نشانگر این است که خلیفه دوم در محضر رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) در مجلس درگذشت دختران پیغمبر اکرم با تازیانه آنان را می‌زند به خاطر اینکه گریه می‌کنند!

آیا در اینجا هم آقایان پاسخی دارند یا خیر؟! کسی که جلوی پیغمبر اکرم زنان و اهل بیت رسول گرامی اسلام را بزند، در غیاب رسول الله نسبت به اهل بیت پیغمبر اکرم احترام می‌کند؟!!

شما ادعا می‌کنید که ماجرای فاطمه و شهادت حضرت فاطمه زهرا ایجاد تفرقه می‌کند، زیرا شما به یکی از مقدسات ما یعنی خلیفه دوم نسبت جسارت به دختر پیغمبر اکرم می‌دهید و ادعا می‌کنید که حضرت فاطمه زهرا را مورد اذیت و آزار قرار داده است.

غیرت ما قبول نمی‌کند و این قضیه باعث ناراحتی ما می‌شود. حال سؤال اینجاست که شما با این روایات می‌خواهید چکار کنید؟!!

این روایات که دیگر مربوط به فاطمیه نیست و این کتاب‌ها هم که کتاب‌های شیعه نیست! این کتاب‌ها همگی با سند صحیح این روایات را نقل کرده‌اند.

### ج) عمر بن خطاب و کتک زدن خانواده عزادار ابوبکر

نکته سوم ماجرای عمر بن خطاب و کتک زدن خانواده عزادار ابوبکر است. این قضیه خیلی جالب است، حال ببینیم که مسئله چیست. در کتاب «صحیح بخاری» تلگرافی مسئله‌ای را مطرح کرده است.

مبنای «بخاری» این است که بسیاری از مواردی که به مذاق صحابه خوش نیاید را نقل نمی‌کند، اما به صورت خیلی خلاصه می‌گوید:

«وقد أَخْرَجَ عُمَرُ أَخْتُ أَبِي بَكْرٍ حِينَ نَاخَتْ»

عمر خواهر ابوبکر را از خانه خارج کرد، زمانی که برای ابوبکر نوحه سرایی می‌کرد.

الجامع الصحیح المختصر، اسم المؤلف: محمد بن إسماعیل أبو عبدالله البخاری الجعفی، دار النشر: دار

ابن کثیر، الیمامة - بیروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة، تحقیق: د. مصطفی دیب البغا، ج 2، ص

852، باب 4

ما به کتاب «فتح الباری شرح صحیح بخاری» اثر «ابن حجر عسقلانی» مراجعه می‌کنیم. نویسنده در جلد پنجم صفحه 74 شرح این روایت را مفصل نقل می‌کند. بنده از عزیزان تقاضا دارم به این روایت خوب دقت کنند.

آقایانی که هر روز بیانیه‌ای صادر می‌کنند و صحبت‌هایی مطرح می‌کنند و ادعا می‌کنند: "فاطمیه باید تعطیل شود، زیرا برگزاری این مراسم‌ها به منزله بازی کردن با مقدسات هست و تفرقه ایجاد می‌کند و با وحدت منافات دارد" خوب دقت کنند که می‌گوید:

«یاسناد صحیح من طریق الزهري عن سعید بن المسیب قال»

با سند صحیح از شهاب الدین زهری از سعید بن مسیب نقل شده است:

«لما توفى أبو بكر أقامت عائشة عليه النوح»

وقتی ابوبکر از دنیا رفت، عایشه برای او مراسم نوحه سرایی برپا کرد.

این هم پاسخ شبهه یاوه سرایان وهابی است که ادعا می‌کنند: مراسم نوحه سرایی که در ایام عاشورا برگزار می‌کنید، همگی بدعت است و ما در شریعت مراسم نوحه سرایی نداریم! می‌گویید:

«لما توفى أبو بكر أقامت عائشة عليه النوح»

وقتی ابوبکر از دنیا رفت، عایشه برای او مراسم نوحه سرایی برپا کرد.

«فبلغ عمر فنهاهن فأبين»

وقتی خبر به عمر بن خطاب رسید او آنها را از این کار نهی کرد، اما آنها قبول نکردند.

عایشه هم کسی است که اهل سنت معتقدند پیغمبر اکرم فرموده است:

«خذوا شطر دينكم عن الحميراء»

دو سوم دینتان را از عایشه بگیرید.

البداية والنهاية، اسم المؤلف: إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي أبو الفداء، دار النشر: مكتبة المعارف –

بيروت، ج 3، ص 129، فصل موت خديجة بنت خويلد

عایشه هم نوحه سرایی کرده است، اما عمر بن خطاب نهی می‌کند.

«فقال لهشام بن الوليد أخرج إلى بيت أبي قحافة يعني أم فروة فعلاها بالدرة ضربات»



عمر بن هشام بن ولید گفت: به خانه ابو قحافه برو، او هم به آنجا رفت و خواهر ابوبکر را با چند ضربه مورد ضرب قرار داد.

لازم به ذکر است خانه «ابو قحافه» منزل خواهر ابوبکر است.

«فتفرق النوائح حين سمعن بذلك»

زنانی که برای نوحه سرایی آمده بودند، وقتی این منظره را دیدند همگی فرار کردند.

«ووصله إسحاق بن راهويه فى مسنده من وجه آخر عن الزهرى وفيه فجعل يخرجهن امرأة امرأة وهو يضربهن بالدرّة»

اسحاق به راهویه از زهری نقل می‌کند: عمر بن خطاب زنان حاضر در جلسه را تک تک بیرون می‌آورد و هشام بن ولید آنها را با شلاق مورد ضرب قرار می‌داد.

فتح الباری شرح صحیح البخاری، اسم المؤلف: أحمد بن علی بن حجر أبو الفضل العسقلانی الشافعی، دار النشر: دار المعرفة - بیروت، تحقیق: محب الدین الخطیب، ج 5، ص 74، باب قوله باب إخراج أهل المعاصی والخصوم من البيوت بعد المعرفة

این روایتی است که آقای «ابن حجر عسقلانی» در خصوص آن می‌گوید:

«بإسناد صحیح»

«نمیری» در کتاب «تاریخ مدینه منوره» همین قضیه را مطرح می‌کند. و آقایان معتقدند «تاریخ مدینه منوره» از کتاب «تاریخ طبری» و «الکامل فی التاریخ» اثر «ابن اثیر» مهم‌تر هست.

در روایت آمده است زور عمر بن خطاب به عایشه نمی‌رسید، خواهر ابوبکر را بیرون آورد و شلاق زد. او همچنین زنان را تک تک بیرون می‌آورد و مورد ضرب قرار می‌داد.

## د) عمر بن خطاب و کتک زدن زنان عزادار خالد بن ولید

روایت دیگری هم نقل شده است که آن هم جالب است. عزیزان دقت کنند غیرت عرب نسبت به زنان به چه صورت بوده است. «عبدالرزاق صنعانی» متوفای 211 هجری استاد «بخاری» در کتاب «مصنف» جلد سوم صفحه 557 می‌گوید:

«لما مات خالد بن الولید اجتمع فی بیت میمونة نساء بیکین»

زمانی که خالد بن ولید از دنیا رفت، زنان در خانه میمونه نشسته بودند و گریه می‌کردند.

«فجاء عمر ومعه بن عباس ومعه الدرّة فقال یا ابا عبد الله ادخل علی أم المؤمنین فأمرها فلتحتجب واخرجهن علی»

عمر بن خطاب به همراه ابن عباس وارد شد، در حالی که شلاق در دست داشت و به ابن عباس گفت: بر أم المؤمنین وارد شو و بگو حجاب داشته باشند و آنها را بیرون بیاور.

«قال فجعل یخرجهن علیه وهو یضربهن بالدرّة»

زمانی که زنان بیرون آمدند، عمر آنها را با شلاق می‌زد.

«فسقط خمار امرأة منهن»

در این حال چادر یکی از زنان افتاد.

«فقالوا یا امیر المؤمنین خمارها»

مردم گفتند: یا امیرالمؤمنین! روسری أم المؤمنین افتاد و موهایش پیدا است.

«فقال دعوها ولا حرمة لها»

عمر بن خطاب گفت: او را رها کنید، این زن حرمت ندارد.

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج 3، ص 557، ح 6681

این‌ها نمونه‌هایی از خشونت عمر بن خطاب است. بازهم «عبدالرزاق صنعانی» در کتاب «مصنف» جلد سوم نقل می‌کند:

«أن عمر بن الخطاب سمع نواحة بالمدينة ليلا فأتى عليها فدخل ففرق النساء فأدرك النائحة»

عمر بن خطاب هرکجا می‌دید زنان شبانه نشست‌ه‌اند و عزاداری می‌کنند، می‌آمد و کسی که نوحه سرایی می‌کرد را با شلاق می‌زد.

«فجعل يضربها بالدرة فوق خمارها»

زمانی که عمر آنها را می‌زد، روسری یکی از زنان افتاد.

«فقالوا شعرها يا امير المؤمنين»

مردم گفتند: یا امیرالمؤمنین! موهای او نمایان شد.

«فقال اجل فلا حرمة لها»

عمر بن خطاب گفت: این زن احترام ندارد!

المصنف، اسم المؤلف: أبو بكر عبد الرزاق بن همام الصنعاني، دار النشر: المكتب الإسلامي - بيروت -

1403، الطبعة: الثانية، تحقيق: حبيب الرحمن الأعظمي، ج 3، ص 557، ح 6682

این قضایا کاملاً غیرت عربی را نشان می‌دهد. میان برنامه‌ای می‌بینیم، برمی‌گردیم و در خدمت عزیزان هستیم.

### اگر خلافت و امامت، حق امیرالمؤمنین بود چرا از مردم استمداد نکرد؟

یکی از شبهاتی که آقایان مطرح می‌کنند، این هست که آیا امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) یا حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) از مردم در بحث خلافت و امامت، کمک و استمداد کردند یا خیر؟!

این هم یکی از بحث‌های بسیار مهمی است که ما باید در این زمینه دقت بیشتری داشته باشیم. ما حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را به عنوان اولین مدافع حریم ولایت و امامت می‌دانیم.

### الف) دفاع حضرت زهرا (سلام الله علیها) از ولایت، در جریان هجوم به خانه

در کتاب «احتجاج» اثر «مرحوم طبرسی» جلد اول نقل شده است در همان لحظه‌ای که به خانه حضرت فاطمه زهرا هجوم آوردند و قسم خوردند که ما این خانه را به آتش می‌کشیم، حضرت فاطمه زهرا پشت در آمد و فرمود:

«لَا عَهْدَ لِي بِقَوْمٍ أَسَؤًا مَخْضَرًا مِنْكُمْ»

من قبیله‌ای بدتر و پست‌تر از شما ندیدم.

«تَرَكْتُمْ رَسُولَ اللَّهِ ص جَنَازَةً بَيْنَ أَيْدِينَا وَ قَطَعْتُمْ أَمْرَكُمْ فِيمَا بَيْنَكُمْ وَ لَمْ تُؤْمَرُوا وَ لَمْ تَرَوْا لَنَا حَقًّا»

شما جنازه پیغمبر اکرم را در میان دست ما رها کردید و به سقیفه برای انتخاب خلیفه رفتید.

«كَأَنَّكُمْ لَمْ تَعْلَمُوا مَا قَالَ يَوْمَ غَدِيرِ خُمٍّ»

گویا نمی‌دانستید که پیغمبر اکرم در غدیر خم ولایت را برای چه کسی معین کرد.

الإحتجاج على أهل اللجاج، نویسنده: طبرسی، احمد بن علی، محقق / مصحح: خراسان، محمد باقر، ج

1، ص 80، باب ذکر طرف مما جرى بعد وفاة رسول الله ص من اللجاج

همچنین در کتاب «دلائل الإمامة» اثر «طبری شیعی» یکی از اعیان قرن چهارم هجری نقل شده است که حضرت صدیقه طاهره آمد و فرمود:

«فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لِأَحَدٍ بَعْدَ غَدِيرِ حُمْ مِنْ حُجَّةٍ وَلَا عُذْرٍ»

خداوند عالم بعد از غدیر خم برای کسی دلیل و عذری باقی نگذاشت.

دلائل الإمامة، نویسنده: طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، محقق / مصحح: قسم الدراسات

الإسلامية مؤسسة البعثة، ص 122، ح 36

رسول گرامی اسلام در میان نماز ظهر و عصر آنچه گفتنی بود را بیان کرد. همچنین در کتاب «خصال» اثر «مرحوم شیخ صدوق» هم می‌بینید که حضرت فاطمه زهرا فرمودند:

«وَهَلْ تَرَكَ أَبِي يَوْمَ غَدِيرِ حُمْ لِأَحَدٍ عُذْرًا»

آیا پدرم روز غدیر خم برای کسی عذری باقی گذاشت؟

الخصال، نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، محقق / مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 1، ص 173، ح

228

ب) حضرت زهرا (سلام الله علیها) و فریاد بر سر انصار و مهاجرین

از میان کتب اهل سنت هم در کتاب «نزهة الحفاظ» اثر «امام ابو موسی محمد بن عمر اصفهانی» متوفای

581 هجری نقل شده است که وقتی ایشان روایت فواطم را نقل می‌کند، بیان می‌کند که حضرت فاطمه زهرا

بر سر مهاجرین و انصار فریاد می‌کشد؛

## «أنسيتم قول رسول الله يوم غدیر خم من كنت مولاہ فعلى مولاہ»

آیا سخن پیغمبر اکرم در غدیر خم را فراموش کردید که فرمود: هرکسی من مولای او هستم، علی مولای اوست؟!

نزهة الحفاظ، اسم المؤلف: محمد بن عمر الأصبهانی المدینى أبو موسى، دار النشر: مؤسسة الكتب الثقافية - بیروت - 1406، الطبعة: الأولى، تحقیق: عبد الرضى محمد عبد المحسن، ج 1، ص 102، باب ذکر روایة ثلاثة من الفواطم بعضهن عن بعض

«ابن جزرى» متوفای 833 هجرى در كتاب «مناقب الأسد الغالب» در صفحه 14 همين تعبير را آورده است و مى‌نويسد:

«أنسيتم قول رسول الله صلى الله عليه وسلم يوم غدیر خم: من كنت مولاہ فعلى مولاہ وقوله صلى الله عليه وسلم أنت منى بمنزلة هارون من موسى عليهما السلام»

مناقب الأسد الغالب مُمزق الكتائب ومُظهر العجائب ليث بن غالب أمير المؤمنين أبي الحسن علي بن أبي طالب رضي الله عنه؛ المؤلف: شمس الدين أبو الخير ابن الجزري، محمد بن محمد بن يوسف (المتوفى: 833هـ)، المحقق: طارق الطنطاوي، الناشر: مكتبة القرآن، الطبعة: الأولى 1994، ص 14، ج

5

دفاع اهلييت و استمداد کردن از مردم یکی از اساسی‌ترین مباحثی بود که امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره انجام می‌دادند.

ج) امیرالمؤمنین و حضرت زهرا (سلام الله علیهما) شبانه بر در انصار و مهاجرین

جالب اینجاست که «ابن قتیبه دینوری» در کتاب «الإمامة و السياسة» جلد اول صفحه 16 می‌گوید:

«خرج على كرم الله وجهه يحمل فاطمة بنت رسول الله على دابة ليلا في مجالس الأنصار تسألهم  
النصرة»

اميرالمؤمنين، حضرت صديقه طاهره را بر حیوانی سوار می‌کرد و شبانه در خانه انصار می‌رفتند و  
حضرت فاطمه زهرا از آنها طلب یاری می‌کرد.

حضرت فاطمه زهرا در خانه مهاجرین و انصار می‌رفتند و به آنها می‌فرمودند که چرا ساکت نشستهاید، بیایید  
علی را یاری کنید! جلوی چشم شما حق خلیفه منصوب پیغمبر اکرم را پایمال می‌کنند. چرا ساکت نشستهاید؟!

«فكانوا يقولون يا بنت رسول الله قد مضت بيعتنا لهذا الرجل»

مردم می‌گفتند: ای دختر رسول خدا! ما با این شخص بیعت کردیم و تمام شد.

«ولو أن زوجك وابن عمك سبق إلينا قبل أبي بكر ما عدلنا به»

اگر همسر و پسر عمویت قبل از ابوبکر می‌آمد و این مطالب را می‌گفت، ما با او بیعت می‌کردیم.

«فيقول على كرم الله وجهه أفكنت أدع رسول الله في بيته لم أدفنه وأخرج أنازع الناس سلطانه»

اميرالمؤمنين فرمودند: شما انتظار داشتید ما جنازه رسول اکرم را روی زمین بگذاریم تا مورد بی حرمتی  
قرار بگیرد و با شما راجع به خلافت صحبت کنیم؟!

الإمامة والسياسة، اسم المؤلف: أبو محمد عبد الله بن مسلم ابن قتيبة الدينوري، دار النشر: دار الكتب  
العلمية - بيروت - 1418 هـ - 1997 م، تحقيق: خليل المنصور، ج 1، ص 16، باب إباية على كرم الله  
وجهه بيعة أبي بكر رضی الله عنهما

آقای «عمر رضا كحاله» یکی از شخصیت‌های برجسته جهان اسلام در کتاب «اعلام النساء» جلد چهارم همین  
قضیه را مفصل نقل می‌کند.

بنابراین این ادعا که امیرالمؤمنین و حضرت صدیقه طاهره آرام نشسته بودند و از مردم کمک نمی‌گرفتند و نصرت طلب نمی‌کردند، حرفی بیهوده است.

امیرالمؤمنین خود را خلیفه منصوب پیغمبر اکرم می‌دانست و امامتشان را امامت الهی می‌دانستند.

### راز گریه های شبانه حضرت زهرا (سلام الله علیها) و وصیت به دفن شبانه چه بود!؟

حضرت صدیقه طاهره، امیرالمؤمنین را امام واقعی خود می‌دانستند و برای دفاع از امام زمان خودش از هیچ کوششی دریغ نکردند. حضرت فاطمه زهرا با تمام توان از امیرالمؤمنین در خانه، کوچه، مسجد و ملاقات زنان مهاجرین و انصار دفاع کردند.

در نهایت گریه‌های شبانه روز حضرت فاطمه زهرا نشانگر غم و غصه حضرت بود و این چنین اعتراض خود را بر مسلمانان اعم از مهاجرین و انصار اعلام کردند. حضرت فاطمه زهرا در نهایت وصیت کردند که او را شبانه دفن کنند.

حضرت صدیقه طاهره می‌خواستند مهاجرین و این انصار بی وفا که نیامدند از علی بن ابی طالب دفاع کنند، در مراسم تشییع جنازه حضرت و مراسم دفن آن بزرگوار حضور پیدا نکنند.

باید در تاریخ بماند که حضرت زهرا ی مرضیه شبانه دفن شد و مخفیانه به خاک سپرده شد. نه خلیفه مسلمین و نه مهاجرین و انصار در مراسم غسل و کفن و دفن و نماز آن حضرت حضور پیدا نکردند و این قضایا در تاریخ ماند.

تمامی این قضایا نشانگر اعتراض شدید حضرت فاطمه زهرا بر هیئت حاکمه و دفاع تمام قد و جانانه حضرت فاطمه زهرا از امیرالمؤمنین بود.

این جلسه آخر بنده با شما در این ویژه برنامه است و ما در طول این ویژه برنامه‌ها بحث آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را مفصل از قول بزرگان و علما و شخصیت‌های بزرگ مطرح کردیم.



مروری بر اسناد هجوم و آتش زدن خانه حضرت زهرا (سلام الله علیها)

ما روایات متعدد آوردیم که نشانگر این بود که در خانه حضرت فاطمه زهرا را آتش زدند. به جهت اینکه فرصت زیادی نداریم، تنها به دو سه روایت در این زمینه اشاره می‌کنم. در کتاب «سلیم بن قیس» آمده است:

«دَعَا عُمَرَ بِالنَّارِ فَأَضْرَمَهَا فِي الْبَابِ فَأَخْرَقَ الْبَابَ»

عمر بن خطاب در خانه را آتش زد و در آتش گرفت.

کتاب سلیم بن قیس الهلالی، نویسنده: هلالی، سلیم بن قیس، محقق / مصحح: انصاری زنجانی  
خوئینی، محمد، ج 2، ص 864، الحدیث الثامن و الأربعون

این روایت همچنین در کتاب «بحارالانوار» جلد 28 صفحه 299 نقل شده است. بازهم در کتاب «بحارالانوار»  
صفحه 53 آمده است:

«وَصَرَبَ سَلْمَانَ الْفَارِسِيَّ وَ إِشْعَالَ النَّارِ عَلَى بَابِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 53،  
ص 14، باب 28 ما يكون عند ظهوره ع برواية المفضل بن عمر

طبق این روایت شعله‌های آتش از در خانه امیرالمؤمنین بالا می‌رفت. بازهم در کتاب «هدایة الكبرى» صفحه  
417 آمده است:

«وَ إِخْرَاقِ الْبَابِ عَلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ زَيْنَبَ وَ أُمَّ كَلْثُومٍ وَ فِضَّةَ وَ قَتْلِ  
مُحَسِّنٍ بِالرُّفْسَةِ لِأَعْظَمَ»

الهدایة الكبرى، نویسنده: خصیبی، حسین بن حمدان، ص 417، الباب الرابع عشر باب الإمام المهدی  
المنتظر (علیه السلام)

در این روایت آمده است که روز سقیفه آتش در خانه امیرالمؤمنین شعله ور شد. بازهم در کتاب «بحارالانوار»  
جلد 53 صفحه 18 آمده است:

«وَإِضْرَامَهُمُ النَّارَ عَلَى الْبَابِ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 53،  
ص 18، باب 28 ما يكون عند ظهوره ع برواية المفضل بن عمر

«مرحوم مجلسی» همین روایت را نقل می‌کند. از میان علمای بزرگ ما «سید مرتضی» می‌گوید:

«فقد بينا أن خبر الاحراق قد رواه غير الشيعة ممن لا يتهم على القوم»

الشافعي في الامامة؛ نویسنده: الشريف المرتضى، وفات: 436، چاپ: الثانية، سال چاپ: 1410،  
چاپخانه: مؤسسة إسماعيليان - قم، ناشر: مؤسسة إسماعيليان - قم، ج 4، ص 119، فصل في تتبع  
كلامه على الطاعن على أبي بكر وما أجاب به عن مطاعنهم

ایشان بازهم در همین کتاب می‌نویسد:

«والله ما بايع على عليه السلام حتى رأى الدخان قد دخل عليه بيته»

اميرالمؤمنين (سلام الله عليه) بيعت نکرد تا زمانی که دید دود از خانه‌اش برخاست.

الشافعي في الامامة؛ نویسنده: الشريف المرتضى، وفات: 436، چاپ: الثانية، سال چاپ: 1410،  
چاپخانه: مؤسسة إسماعيليان - قم، ناشر: مؤسسة إسماعيليان - قم، ج 3، ص 241، فصل في اعتراض  
كلامه في إمامة أبي بكر

«شيخ مفيد» می‌نویسد:

«أضرموا عليهم البيت نارا»

الأمالی (للمفید)؛ نویسنده: مفید، محمد بن محمد، تاریخ وفات مؤلف: 413 ق، محقق / مصحح:  
استاد ولی، حسین و غفاری علی اکبر، ناشر: کنگره شیخ مفید، مکان چاپ: قم، سال چاپ: 1413 ق،  
نوبت چاپ: اول، ص 49، ح 9

همچنین «مقاتل بن عطیه» در کتاب «مؤتمر علماء بغداد» می‌نویسد:

«و أحرق الباب بالنار»

مؤتمر علماء بغداد، ابن عطیه، مؤسسة النشر الإسلامی، قم، چاپ دوم، 1422ق، ص 126

«سید بن طاووس» هم می‌نویسد:

«إن إحراق باب بیت فاطمة علیها السلام ممّا ثبت و أطبقت علیه الإمامیة خلفا عن سلف»

آتش زدن خانه حضرت فاطمه زهرا را هرکدام از علمای امامیه ما از گذشته نقل کرده‌اند.

طرف من الأبناء و المناقب، نویسنده: ابن طاووس، علی بن موسی، محقق / مصحح: عطار، قیس، ص

390، باب و ویل لمن أحرق بابها

«مسعودی» می‌نویسد:

«فانصرف عنهم فأقام أمير المؤمنين عليه السلام و من معه من شيعته في منزله بما عهد إليه رسول الله

صلّى الله عليه و آله فوجهوا الى منزله فهجموا عليه، و أحرقوا بابه»

اثبات الوصیة، نویسنده: مسعودی، علی بن حسین، ص 146، باب فی الحوادث آلتی اعقبت وفاة النبی

[ص]

«سید مرتضی» می‌نویسد:

«وأي اختيار لمن يحرق عليه بابه حتى يبائع؟»

الشافي في الامامة؛ نويسنده : الشريف المرتضى، وفات: 436، چاپ : الثانية، سال چاپ: 1410، چاپخانه: مؤسسة إسماعيليان - قم، ناشر: مؤسسة إسماعيليان - قم، ج 3، ص 241، فصل في اعتراض كلامه في إمامة أبي بكر

«مرحوم ديلمي» همين تعبير را دارد. «فاضل مقداد» يکی از متکلمين مشهور قرن هشتم همين نظر را دارند. «مولى صالح مازندرانی» می‌گوید:

«إذ قتلوها بضرب الباب على بطنها وهي حامل فسقط حملها فماتت لذلك»

شرح أصول الكافي؛ للمازندراني المعروف كتاب الكافي في الأصول والروضة، لثقة الإسلام أبي جعفر محمد بن يعقوب الكليني مع شرح الكافي الجامع للمولى محمد صالح المازندراني، المتوفى 1081 هـ، مع تعاليق الميرزا أبو الحسن الشعراني، ضبط و تصحيح: السيد علي عاشور، دار احياء التراث العربي، بيروت - لبنان، حقوق الطبع محفوظة، الطبعة الأولى، 1421 هـ - 2000 م، ج 7، ص 213، ج 2

«فيض كاشانی» همين تعبير را دارند. «مرحوم شهيد صدر» که جزو پرچمداران وحدت بود، اين مسئله را مطرح می‌کند.

اگر خانه فاطمه زهرا را آتش زدند، چرا مسجد پیامبر آتش نگرفت!؟

آنچه مهم است این است که امروزه آقایان می گویند اگر خانه علی بن ابی طالب را آتش زدند به طوری که در خانه حضرت به مسجد باز می‌شد، مسجد هم باید آتش می‌گرفت!! آقایان حرف و سخن دیگری ندارند و این ادعا را مطرح می‌کنند.

الف) خانه امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) دو درب داشت

ما در این خصوص چند جواب عرض می‌کنیم. جواب اول این است که خانه امیرالمؤمنین دو در داشت؛ یک در به مسجد باز می‌شد و یک در به کوچه باز می‌شد. بعد از حدیث سد الأبواب که می‌فرماید:

«أن رسول الله صلى الله عليه وسلم أمر بسد الأبواب إلا باب علي»

پیغمبر اکرم دستور داد درهای تمام خانه‌هایی که به مسجد گشوده می‌شد را ببندند، غیر از در خانه علی بن ابی طالب.

صحیح وضعیف سنن الترمذی، المؤلف: محمد ناصر الدین الألبانی (المتوفی: 1420 هـ)، مصدر الكتاب: برنامج منظومة التحقيقات الحديثية - المجانی - من إنتاج مركز نور الإسلام لأبحاث القرآن والسنة بالإسكندرية، ج 8، ص 232، باب 3732

رسول گرامی اسلام درب خانه‌های تمامی صحابه که به مسجد باز می‌شد را بست و تنها در خانه امیرالمؤمنین را باز گذاشت. وقتی صحابه اعتراض کردند، رسول گرامی اسلام قسم یاد کرد و فرمود:

«فقال فيه قائلکم والله ما سدت شیئا ولا فتحتہ»

بعضی از شما مردم اعتراض دارید، اما به خدا سوگند من از نزد خودم در کسی را باز نکردم و در کسی را هم نبستم.

«ولکن أمرت بشيء فاتبعته»

به من دستور داده شد و من هم تبعیت کردم.

«هذا حدیث صحیح الإسناد ولم یخرجاه»

المستدرک علی الصحیحین، اسم المؤلف: محمد بن عبدالله أبو عبدالله الحاكم النيسابوري، دار النشر:  
دار الكتب العلمية - بيروت - 1411 هـ - 1990 م، الطبعة: الأولى، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، ج  
3، ص 135، ح 4631

این قضیه مفصل است، و بنده نمی‌خواهم در این زمینه ورود پیدا کنم. یک در از خانه امیرالمؤمنین به مسجد باز می‌شد و در دیگر هم به کوچه باز می‌شد.

افرادی که به خانه امیرالمؤمنین هجوم آوردند تا حضرت را کشان کشان به مسجد ببرند، عمدتاً از دری که به کوچه باز می‌شد وارد شدند و خانه را مورد هجوم قرار دادند. عمر بن خطاب و همراهانش آن در را آتش زدند، نه دری که از خانه حضرت به مسجد باز می‌شد.

**ب) امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) در خانه «حارث بن نعمان» زندگی می‌کرد!**

جواب دوم این است که اصلاً حضرت امیرالمؤمنین (سلام الله علیه) و حضرت فاطمه زهرا در خانه «حارث بن نعمان» زندگی می‌کردند که با مسجد فاصله داشت.

پیغمبر اکرم دو نوع منزل داشتند؛ یکی از منازل حضرت منزلی بود که زنان آنجا بودند. این منازل همگی در قسمت قبله مسجد و جنوب مسجد واقع شده بود.

رسول اکرم همچنین منزل دیگری داشتند که محل ملاقات عمومی بود که در قسمت شرق مسجد واقع شده بود که در حال حاضر هم قبر رسول گرامی اسلام در آنجاست.

پشت این منزل، منزل «حارث بن نعمان» بود که امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا در آنجا زندگی می‌کردند.

«ابن جوزی» که یکی از استوانه‌های علمی اهل سنت متوفای 597 هجری در کتاب «المنتظم» مطلبی در این خصوص نقل می‌کند. ایشان غیر از «سبط ابن جوزی» است که آقایان قدری حرف نسبت به او دارند. ایشان در

صفحه 87 می‌نویسد:

### «فلما تزوج علی بفاطمة قال لعلی اطلب منزلاً»

امیرالمؤمنین معمولاً خانه زاد پیغمبر اکرم بودند، به طوری که از ابتدای طفولیت در دامن رسول الله بزرگ شدند. همانطور که حضرت در «نهج البلاغه» می‌فرمایند: وقتی من کودک بودم، پیغمبر اکرم غذا را در دهانشان می‌جویدند و در دهان من می‌گذاشتند.

### «فلما تزوج علی بفاطمة قال لعلی اطلب منزلاً»

وقتی پیغمبر اکرم حضرت فاطمه زهرا را به عقد امیرالمؤمنین درآورد، به حضرت فرمود که منزلی تهیه کند.

### «فطلب علی منزلاً فأصابه مستأخراً عن رسول الله قليلاً فبنى بها فيه»

امیرالمؤمنین دورتر از منزل پیغمبر اکرم منزلی تهیه کردند و زندگی تشکیل دادند. وقتی پیغمبر اکرم نزد امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا آمدند، مشاهده کردند که آنها دور هست.

### «فجاء النبي إليهما فقال (إني أريد أن أحوك إلي)»

پیغمبر اکرم آمدند و فرمودند: من می‌خواهم شما را نزد خود بیاورم.

### «فقال يا رسول الله فكلم حارثة بن النعمان أن يتحول عني»

امیرالمؤمنین فرمودند: با حارثة بن نعمان صحبت کنید تا خانه‌ای که نزدیک مسجد دارد را با خانه ما عوض کند.

### «فقال رسول الله قد تحول حارثة عنا حتى قد استحيت منه»

رسول الله فرمود: من شرم دارم از این که ماجرای تعویض خانه را با حارثة مطرح کنم.

پیغمبر اکرم فرمود: منزل من دور بود و منزل «ابو ایوب انصاری» بودم. ایشان منزل خود را در اختیار من قرار داد و با منزل من عوض کرد. من دیگر خجالت می‌کشم این قضیه مطرح کنم.

**«فبلغ ذلك حارثة فتحول»**

وقتی این قضیه به گوش حارث بن نعمان رسید، خیلی ناراحت و متحول شد.

**«وجاء إلى النبي فقال يا رسول الله إنه بلغني أنك تحول فاطمة إليك»**

او نزد پیغمبر اکرم آمد و عرضه داشت: یا رسول الله! من شنیدم که می‌خواهی خانه حضرت فاطمه زهرا را نزد خود بیاوری.

**«وهذه منازلی وهی أسقب بیوت بنی النجار بک»**

من چند منزل اطراف مسجد تو دارم و نزدیک‌ترین آنها خانه‌های بنی نجار است.

**«وإنما أنا ومالی لله ولرسوله»**

یا رسول الله! من و همه اموال منک پیغمبر اکرم است.

**«والله یا رسول الله المال الذی تأخذ منی أحب إلى من الذی تدع»**

به خدا سوگند پیغمبر اکرم هر کاری می‌خواهد با منک من انجام دهد.

**«فقال (صدقت بارک الله علیک)»**

سپس می‌نویسد:

**«فحولها رسول الله إلى بیت حارثة»**

پیغمبر اکرم خانه امیرالمؤمنین را با خانه حارثة بن نعمان که نزدیک مسجد بود، با هم عوض کرد.



المنتظم فی تاریخ الملوك والأمم، اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علی بن محمد بن الجوزی أبو الفرج، دار  
النشر: دار صادر - بیروت - 1358، الطبعة: الأولى، ج 3، ص 87، باب زواج علی بن أبی طالب بفاطمة  
رضی الله عنهما

«مرحوم مجلسی» در کتاب «بحار الانوار» جلد 43 صفحه 56 خیلی مفصل قضیه را نقل می کند و می نویسد:

«وَ كَانَ بَيْتَهَا مُلَاصِقَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ ص»

خانه حضرت فاطمه زهرا به خانه رسول اکرم چسبیده بود.

نقل شده است رسول گرامی اسلام به امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا علاقه خاصی داشت، به همین خاطر  
از خانه خصوصی خود پنجره‌ای به خانه امیرالمؤمنین باز کرده بود.

هرگاه پیغمبر اکرم دلتنگ می شدند، پنجره را باز می کردند و به امیرالمؤمنین و حضرت فاطمه زهرا می فرمودند:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَ مَهْبِطِ جَبْرَائِيلَ الرُّوحِ الْأَمِينِ بِالتَّنْزِيلِ مِنْ عِنْدِ رَبِّ  
الْعَالَمِينَ

در ادامه آمده است:

«فَقَالَتْ فَاطِمَةُ وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ فَمَنْ أَنْتَ يَا هَذَا»

حضرت فاطمه زهرا می فرمود: علیک السلام، شما چه کسی هستید؟

«قَالَ شَيْخٌ مِنَ الْعَرَبِ أَقْبَلْتُ عَلَى أَبِيكَ سَيِّدِ الْبَشَرِ مُهَاجِرًا مِنْ شُقَّةٍ وَ أَنَا يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ عَارِي الْجَسَدِ  
جَائِعُ الْكِبْدِ فَوَاسِينِي يَزْحَمُكَ اللَّهُ»

بحار الأنوار، نویسنده: مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، ج 43،

ص 56، ح 50

این روایات همگی نشانگر این است که قضایا کاملاً واضح و روشن بود. نقل شده یکی از اعراب از پیغمبر اکرم تقاضای غذا کردند.

رسول گرامی اسلام فرمودند: فعلاً در خانه من غذا موجود نیست. شما به خانه حضرت فاطمه زهرا که در مجاورت خانه پیغمبر اکرم هست بروید و بپرسید که اگر طعام دارند، در اختیار شما قرار دهند.

بنابراین این ادعا که آقایان مطرح می‌کنند مبنی بر اینکه اگر در خانه حضرت فاطمه زهرا را آتش زده بودند باعث آتش گرفتن مسجد می‌شد، باطل است.

ظاهراً این افراد خیلی بی سواد هستند و تاریخ نخوانده‌اند. البته شاید تاریخ خوانده‌اند و عناد دارند و این مطالب را به مردم نمی‌گویند.

وظیفه و تکلیف شرعی ما این است که تاریخ صدر اسلام را بازخوانی کنیم و حقایق را برای مردم و جوانان شیعه و اهل سنت بیان کنیم.

بنده یک مرتبه هم عرض کردم زمانی که در محضر آیت الله العظمی جوادی آملی بودم، ایشان به من فرمودند: این تکلیف شماست که مسائل و اتفاقات تلخی که در صدر اسلام افتاده است را بیان کنید. بگذارید جوانان اهل سنت این مطالب را بشنوند، زیرا علمای اهل سنت این مطالب را برای آن‌ها نمی‌گویند.

اگر شما این مطالب را نگویید، نزد خداوند عالم مسئول هستید و فردای قیامت جوانان اهل سنت از شما شکایت خواهند کرد که چرا این حقایق را برای ما بازگو نکردید.

همه عزیزان را به خداوند متان می‌سپارم و از همه التماس دعا دارم. عزیزانی که در جوار بارگاه ملکوتی ثامن الائمه هستند، ما را دعا کنند.

عزیزان موقع تشریف به حرم مطهر حضرت علی بن موسی الرضا یا زمانی که چشمشان به گنبد افتاد، اگر حتی یک کلمه هم از ما یاد گرفته باشند ما از آنها می‌خواهیم که تنها یک جمله از طرف ما بگویند: «السلام علیک

یا بن فاطمة الزهراء!»!

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته